

آیا باید در سندیکا‌های صنفی شرکت کرد؟

ماه دیگر شهریور ۱۳۸۲، دفتر شعبه «سازمان بین المللی کار» (آی. ال. او) در ایران افتتاح می شود. آی. ال. او قصد دارد با تأیید هر دو جناح هیئت حاکم «سندیکای کارگری» برای کارگران ایران ایجاد کند. در حاشیه چنین چشم اندازی است که اخیراً بحث های متعددی در جراید در باره چگونگی سازمانیابی تشکلهای مستقل کارگری بر سر زبانها افتاده است و در پی آن تحولات نوینی مشاهده می شود. این تحولات در پی سفر هیئت ویژه ای از سوی «سازمان بین المللی کار» (آی. ال. او) به تهران، (۲۷ سپتامبر تا سوم اکتبر ۲۰۰۲)، و متعاقباً سفرهای نماینده های دولتی به مراکز آل ای او بوده است. برای ارزیابی این تحولات بررسی گزارش ویژه این هیئت در سال پیش؛ ضروری است.

در میان موارد متعددی؛ دو نکته مهم در این گزارش برجسته شده است.

نکته نخست؛ گزارش تاکید می کند که «تشکلهای سیاسی حق دخالت در امور انجمن های صنفی را ندارند» و نمایندگان انجمن هایی رسمیت دارند که متکی بر «انتخابات آزاد و با آرای کارگران انتخاب شده باشند»، و اینکه: «انجمن های صنفی به عنوان سندیکا‌های واقعی مورد حمایت قرار گیرند و اتحادیه های واقعی کارگری با مشارکت این تشکل ها تأسیس شوند».

نکته دوم؛ اینکه: «تشکل هایی صوری که تحت عنوان «کارگر» راه اندازی شده و در وزارت کار به ثبت نرسیده اند» غیر قانونی اعلام می گردند. چنانچه این موارد مورد توافق دولت قرار گرفته و اجرا گردند؛ بررسی این دو نکته حائز اهمیت است.

نکته نخست،

برجسته شدن «انجمن های صنفی»^۱ به مثابه نهادهایی مستقل از احزاب سیاسی و متکی بر انتخابات آزاد. در صورت اجرای چنین طرحی، کارگران پیشرو سه شیوه محوری از برخورد در مقابل خود خواهند یافت:

اول؛ عدم شرکت در چنین نهادهایی به عنوان تشکل هایی مرتبط به دولت سرمایه داری. و در مقابل آن، تمرکز بر سازماندهی تشکلهای مستقل کارگری که الزاماً نهادی رسمی نبوده و مهر تایید از «وزارت کار» را ندارد. به سخن دیگر تحریم انجمن های صنفی و تبلیغ تحریم آنها در میان سایر کارگران.

دوم، شرکت فعال و غیر مشروط در انجمن های صنفی به مثابه «تشکلات مستقل کارگری» تحت نظارت «سازمان بین المللی کار» و معیارهایی مترادف با قوانین بین المللی کار. به عبارت دیگر، انحلال خود در آنها با هدف فعالیت درازمدت پیرامون مسایل جنبش کارگری (افزایش دستمزدها و بازپس گیری حقوق عقب افتاده و غیره).

سوم، تدارک برای شرکت مشروط در انجمن های صنفی با حفظ استقلال تشکیلاتی و در عین حال تداوم کار غیر رسمی .

روش اول، گرچه این روش با در نظر گرفتن عملکرد چند دهه دولت سرمایه داری ایران، می تواند موجه جلوه داده شود، اما چنین روشی در عین حال به راحتی کارگران پیشرو را می تواند از مجامع کارگری منزوی کند. باید متذکر شد که تمام اقدامات کنونی دولت نمی تواند تنها ظاهر سازی باشد. بانکهای جهانی و سازمانهای بین المللی برای سرمایه گذاری در ایران نیاز به امنیت و آرامش داشته و دولت را وادار به تن دادن به یک سلسله از قوانین بین المللی خواهند کرد (هر چند آن قوانین

^۱ - قابل ذکر است که در اینجا منظور آی ال او از «انجمن های صنفی»، انجمن های صنفی موجود وابسته به رژیم نیست. منظور سندیکاها و اتحادیه های کارگری به سبک اروپایی آنست. البته همان اتحادیه های کارگری اروپایی نیز توسط بورکراسی کارگری تصرف شده و نقش توده های کارگری در آنها تقلیل یافته است. آنچه مد نظر آی ال او است با تشکل های (با انجمن ها یا تشکلهای مستقل واقعی کارگری) متفاوت است.

بین المللی خود انحرافی باشند). تضمین، تداوم و گسترش این قوانین به نفع کارگران، بستگی به شرکت و مبارزه خود کارگران برای احقاق حقوقشان است. دور زدن تجمعاتی که کارگران به صورت توده ای در آن شرکت می کنند، الزاماً در تمام شرایط صحیح نیست. در این امر تردیدی نیست که ایجاد تشکل های مستقل کارگری واقعی تنها پس از براندازی ریشه ای نظام سرمایه داری تحقق می یابد، اما استفاده از روزنه های موجود برای پیشبرد مبارزات در درون نظام سرمایه داری نیز ضروری است. زیرا کارگران تنها از طریق مبارزه و فعالیت مستمر در جامعه سرمایه داری به ماهیت واقعی رژیم و سیاست های متحدان بین المللی آن (مانند آی. ال. او.) پی برده و اعتماد به نفس کسب می کنند.

کارگران ایران بیش از ۲۴ سال مورد ارباب قرار گرفته و از هر روزنه ای برای تنفس و پیشبرد مبارزات خود استفاده می کنند. عدم شرکت کمونیست ها در میان تشکل های کارگران تحت هر عنوانی یک عمل فرقه گرایانه ای بیش نیست.

روش دوم؛ آن روی سکه روش اول است. طبیعی است که کارگران پیشرو نمی توانند تسلیم وضعیت موجود شده و هر آنچه اعلام می گردد را چشم بسته بپذیرند. شرکت غیرمشروط در «انجمن های صنفی» یا سندیکاهای کارگری آتی می تواند کارگران را خلع سلاح کند. کارگران به اندازه کافی سیاستهای و قول قرارهای سیاستمداران را تجربه کرده اند. نباید فراموش کرد که در هیچ نقطه جهان از جمله کشورهای «دمکراتیک» بورژایی (مانند سوئد، انگلستان، فرانسه، آلمان و غیره) «دمکراسی» از روی دلسوزی به کارگران اعطا نمی شود. ایجاد تشکلهای کارگری/صنفی (حتی مستقل) در جوامع سرمایه داری برای تحت کنترل قرار دادن کارگران و به تعویق انداختن استقرار قدرت کارگری، طراحی شده اند.

شرکت در درون تشکل های کارگری با هدف ماماشات جویی و ایجاد پلی میان نهادهای دولتی (مانند خانه کارگر و غیره) به مفهوم تسلیم در مقابل دولت بورژوایی و ضربه زدن به منافع بلندمدت کارگران است.

روش سوم؛ در وضعیت کنونی می تواند قابل تأمل باشد. به عبارت دیگر شرکت مشروط در «انجمن های صنفی» یا اتحادیه های کارگری با حفظ استقلال تشکیلاتی خود. این شروط کدامند:

۱- استقلال واقعی این «انجمن های صنفی» یا نهادهای کارگری از دولت و تمام احزاب سیاسی وابسته به آن.

اگر قرار باشد انجمن های صنفی نوین نیز مانند سایر نهادهای سابق دولتی مانند: «خانه کارگر»، «کانون عالی شوراهای اسلامی کار» و «حزب اسلامی کار» و «انجمن های صنفی» وابسته به دولت باشند، شرکت در این نهادها نیز بی فایده و غیر ضروری است و آنها تحریم باید گردند. زیرا نهادهای وابسته به دولت و سیاستهای و جناح های آن، اجازه طرح مسایل کارگری را نخواهند داد. از آن مهمتر با انواع ترفندها از اجرا و اعمال تصمیمات کارگران که در اکثر موارد متوجه سیاستهای دولت است، جلوگیری خواهد شد. یکی از شروط محوری شرکت کارگران پیشرو، در چنین نهادی، «استقلال» واقعی آن نه تنها از احزاب سیاسی که از دولت (و تمام نهادهای کارگری وابسته به آن) نیز است. در گزارش «آی ال او»، استقلال انجمن های صنفی از دولت با صراحت بیان نشده است.

۲- وجود دموکراسی، آزادی تشکیلاتی.

بحث و تبادل نظر تنها زمانی می تواند مثمر ثمر واقع شود که نتایج تبادل نظر بتواند مورد اجرا قرار گیرد. و تا زمانی که آزادی تشکیلاتی و تصمیم گیری متکی به آرای شرکت کنندگان وجود نداشته باشد، فعالیت کارگران پیشرو در آن جایز نیست. آزادی بیان، تجمع و انتشار مطبوعات و تصمیمات نهادهای کارگری در سطح جامعه؛ و استفاده از رسانه های عمومی برای تبلیغ این مواضع می باید یکی از پیش شرط ها اصلی شرکت باشد. «انتخابات آزاد» بایستی توسط

کمیسیونی متشکل از کارگران مستقل از دولت و احزاب سیاسی، همراه با هیئتی از اتحادیه های کارگری اروپایی و آمریکای شمالی؛ مورد نظارت قرار گیرد. انتخاباتی که تحت کنترل «خانه کارگر» و یا نهاد دیگر دولتی باشد نمی تواند مورد قبول باشد.

۳- شرکت فعال توده های کارگر.

چنین نهادی بایستی مورد پذیرش و اعتماد کارگران قرار گیرد. اگر توده های کارگری به هر علتی (عدم آمادگی ذهنی و یا عدم اعتماد) در این «انجمن های صنفی» شرکت نکنند، حضور کارگران پیشرو نیز در این نهادها غیر ضروری است. زیرا هدف اصلی کارگران پیشرو و آگاه، دخالت در میان کارگران برای تقویت اعتماد به نفس در آنها در جهت به دست گرفتن سرنوشت شان به دست خودشان است. نهادهایی که توده کارگران را در برنگیرد، تنها به یک «اداره» غیر فعال مبدل می گردد.

با توجه به پیش شرط های بالا، شرکت فعال در درون چنین نهادهایی ضروری است. اما قابل ذکر است که حتی برای اعمال پیش شرط بالا بایستی مبارزه و فعالیت مستمری از سوی کارگران پیشرو صورت گیرد. تحقق و حفظ این پیش شرط ها به سادگی صورت نمی گیرد.

نکته دوم؛

گزارش ویژه «آی ال او» متذکر می شود که «تشکل هایی صوری که تحت عنوان «کارگر» راه اندازی شده و در وزارت کار به ثبت نرسیده اند» غیر قانونی اعلام می گردند. این بند، در واقع زنگ خطری است برای کارگران پیشرو، و به ویژه خطراتی است به کارگرانی که نقداً فعالیت غیر رسمی خود را پیرامون تشکل کارگری آغاز کرده اند. بدیهی است که این بند نمی تواند مورد پذیرش کارگران پیشرو قرار گیرد. زیرا: اول؛ هیچ تضمینی وجود ندارد که دولت سرمایه داری ایران همراه با متفقین نوین شان در سطح بین المللی مانند «آی ال او» پس از مدتی زیر قول و قرار

خود نزنند. بار دیگر باید ذکر شود که تمام قوانین و نهادهای نوین در راستای حفظ منافع سرمایه داران طرح ریزی شده اند (حتی اگر، در قیاس با دوره پیش، امتیازاتی نصیب کارگران بشود).

اضافه بر آن، دعوای جناح بندی های دولتی کماکان ادامه داشته و تداوم خواهد یافت. و در هر لحظه بستگی به اینکه کدام جناح اعمال نفوذ کند؛ می تواند سیاست ها به سادگی تغییر کنند و کارگران را در موقعیت «معلق» سیاسی قرار دهند.

همچنین، اگر دولت در سیاست اخیر خود مبنی بر رعایت قوانین بین المللی کارگری صداقت داشته باشد (که چنین نیست)، به «ثبت رساندن» و یا مهر تایید گرفتن از «وزارت کار» چه مفهومی دارد؟ آیا مفهومی جز به کنترل در آوردن تشکل های مستقل کارگری می تواند داشته باشد؟

دوم؛ تنها روشی که کارگران می توانند این «انجمن های صنفی» نوین را آزمایش کرده و در جهت دمکراتیزه کردن آن گام بردارند، وجود تشکل های مستقل کارگری غیررسمی خود در کنار آنها است. به ثبت رساندن تشکل های مستقل موجود؛ به مفهوم انحلال استقلال آن تشکل ها است. همچنین علنی کردن تشکل مستقل غیررسمی موجود، بدون وجود زمینه کافی (آمادگی توده های کارگری برای پذیرش آن، و وجود حداقلی از کارگران پیشرو و فعال)؛ در وضعیت کنونی نمی تواند کمکی به پیشبرد فعالیتها مستقل کارگری کند و کارگران پیشرو را در موقعیت ضعیف تری قرار می دهد. این تشکل ها در واقع به مثابه ستون فقرات اتحادیه های کارگری آتی عمل کرده و جایگاهی برای اتحاد کارگران کمونیست بر محور برنامه های درازمدت سیاسی در راستای تشکیل حزب پیشتاز انقلابی است.

۲۲ مرداد ۱۳۸۲

این مقاله براساس مقاله ای تحت عنوان «یادداشت هایی در مورد انجمن های صنفی» که سال پیش پس از سفر هیئت نمایندگی آی. ال. او به ایران انتشار یافت، نگاشته شده است.